

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان

مهدی هدایتی شهیدانی^۱

صدیقه آذین^۲

رفتار رقابتی کشورها در دوران معاصر در حوزه اقتصاد، موجب شده تا شکل جدیدی از رویکردهای نظری جهت تبیین این رفتارها در کانون توجهات واقع شوند. در این دوران اقتصاد بار دیگر به مثابه انگیزه اصلی رقابت‌های قدرت‌های جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است. روابط راهبردی میان ایالات متحده و چین نیز از چنین ویژگی‌ای برخوردار می‌باشد. این رابطه در فضاهای مختلف جغرافیایی متأثر از موضوعات اقتصادی قرار گرفته است. به طور مشخص کنشگری این دو قدرت در کشور تاجیکستان گویای شکل جدیدی از رقابت میان این دو واحد مهم بین‌المللی است. بر این اساس سوال اصلی این مقاله آن است که مهم‌ترین عناصر در تعاملات رقابتی میان ایالات متحده و جمهوری خلق چین در کشور تاجیکستان کدام هستند؟ فرضیه مقاله آن است که مهم‌ترین عناصر موجود در رقابت آمریکا و چین در تاجیکستان بر دو مفهوم اقتصاد و امنیت استوار است؛ با این توضیح که برخلاف تعاملات میان چین و تاجیکستان که بر هر دو حوزه اقتصاد و امنیت استوار بوده است، جنبه‌های اقتصادی رابطه با تاجیکستان برای ایالات متحده از اهمیت کمتری برخوردار بوده است. رقابت میان دو قدرت بزرگ یاد شده در تاجیکستان بسیاری از منافع و مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است. این مقاله با استفاده از داده‌های آماری برگرفته از منابع رسمی و غیر رسمی درصدد است تا پاسخ‌های خود را در فرضیه مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به مرحله آزمون قرار دهد.

واژگان کلیدی: چین تاجیکستان، آمریکا، روابط امنیتی و رقابت اقتصادی.

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: Mehdi.hedayati88@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: azinsedighe@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۷ و تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۸

مقدمه

چین و آمریکا به عنوان قدرت‌های بین‌المللی از دو دهه قبل به طور جدی‌تری پا به عرصه رقابت‌های اقتصادی با یکدیگر نهاده‌اند. با این حال کمتر رابطه اقتصادی را در جهان می‌توان به تصویر کشید که حجم و کیفیت آن به اندازه روابط دو کشور بوده باشد. اما وجود این مسئله، هیچ خلایی در ذهنیت رهبران دو کشور برای رصدکردن رفتارهای رقیب به وجود نیاورده است. در دوره معاصر این موضوع با انتخاب دونالد ترامپ^۱ در سال ۲۰۱۷ به عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا ابعاد جدیدی را تجربه کرده است. مواضع انتقادی ترامپ مبنی بر نقش چالش‌زای چین در مبادلات اقتصادی ایالات متحده در بخش‌های مختلف دنیا با تفاسیر متعددی روبه‌رو شد. ماهیت روابط میان دو کشور ضمن آن که در ابعاد بین‌المللی و فرایندهای کلان اقتصاد بین‌الملل نشانه‌های جدی از استمرار وضعیت رقابتی را منعکس می‌نماید به طور خاص در بسیاری از حوزه‌های ویژه منطقه‌ای و تعاملات دوجانبه با سایر واحدهای بین‌المللی نیز متجلی شده است. جغرافیای کشور تاجیکستان یکی از همین حوزه‌های ویژه می‌باشد که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تاجیکستان به دلایل متعددی هم برای چین و هم برای ایالات متحده آمریکا از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. نشانه‌های عینی این گزاره را در افزایش روابط دو جانبه تاجیکستان با این دو کشور باید مورد جستجو قرار داد. تاجیکستان از طریق مرزهای غربی خود با استان سین کیانگ^۲ در نواحی شرقی چین هم‌مرز می‌باشد؛ مسئله‌ای که موجب می‌شود تا این کشور به عنوان دروازه ورود چین به بازار بزرگ آسیای مرکزی و سپس دریای خزر در نظر گرفته شود. به طور کلی، نگاه پکن به آسیای مرکزی از دو بعد تفسیری فرصت و تهدید قابل بررسی است. از یک‌سو کسب بازارهای این مناطق در کنار وجود منابع انرژی فسیلی آن، فرصت مناسبی را در اختیار چین قرار داده تا بتواند طی دو دهه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از نظر اقتصادی نسبت به منابع موجود در آن از طریق قراردادهای دو و چندجانبه منتفع شود. با این حال وجود منطقه سین کیانگ و مباحث امنیتی پیرامون آن، برخی اختلافات مرزی با کشورهای همسایه شرقی و البته حضور رقبای فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده در این مناطق از جمله تهدیدهایی هستند که چین را به چالش‌های جدی در

^۱. Donald Trump

^۲. Xinjiang

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/ ۱۵۵

حوزه‌های متنوع اقتصادی و امنیتی در آسیای مرکزی وارد کرده است. مجاورت جغرافیایی تاجیکستان با کشور افغانستان که پس از حمله نیروهای ناتو در سال ۲۰۰۱ و سپس انعقاد توافق نامه امنیتی با ایالات متحده از اهمیت فزاینده‌ای برای دوشنبه برخوردار شده است، همچنین وابستگی روبه تصاعد این کشور از منظر اقتصادی به چین و نیز حلقه‌های امنیتی دوجانبه با پکن و مسکو و در نهایت تمایلات ادامه‌دار آمریکا برای حضور در منطقه آسیای مرکزی بر اهمیت کشوری همچون تاجیکستان می‌افزاید.

در فضای رقابتی موجود میان آمریکا و چین واقعیات سیاست بین‌الملل نشان‌دهنده آن است که آسیای مرکزی - به مثابه یکی از نواحی پیرامونی در جغرافیای کشور چین - پس از پایان جنگ سرد به عنوان ضلع غربی کنترل رفتارهای اقتصادی و سیاسی پکن از سوی واشنگتن مورد گزینش قرار گرفته است. اضلاع دیگر این رویکرد کنترل‌کننده از سوی آمریکا نسبت به چین در حوزه آسیا-پاسفیک و دریای چین جنوبی خود را منعکس ساخته است. برای آمریکا - به عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران بین‌المللی - تهدید جایگاه ساختاری آن توسط سایر بازیگران از مهم‌ترین دغدغه‌های جهانی محسوب می‌شود. بر این اساس مواجهه با الگوهای رفتاری متنوع اقتصادی و سیاسی بازیگرانی همچون چین در مناطق مختلف جغرافیایی برای تجزیه و تحلیل و سپس مهار در اولویت قرار دارد. مجموعه این موضوعات با ورود آمریکا به افغانستان و تمایل فزاینده چین جهت کنش‌گری در آسیای مرکزی ابعاد جدیدتری را تجربه نموده است. به گونه‌ای که در سال‌های اخیر به دلیل کاهش ساختاری قدرت ایالات متحده در حوزه سیاست بین‌الملل، شاهد شکل‌گیری جلوه‌های جدیدی از روابط میان قدرت‌های جهانی در حوزه‌های جغرافیایی بوده‌ایم. این تحول ساختاری و در نتیجه نتایج مختلف حاصل از آن، بر اهمیت روابط این دو واحد در پهنه‌ای همچون آسیای مرکزی افزوده است.

بر این اساس سوال اصلی این مقاله آن است که مهم‌ترین عناصر در تعاملات رقابتی میان ایالات متحده و جمهوری خلق چین در کشور تاجیکستان کدام هستند؟ فرضیه مقاله آن است که مهم‌ترین عناصر موجود در رقابت آمریکا و چین در تاجیکستان بر دو مفهوم اقتصاد و امنیت استوار است؛ با این توضیح که برخلاف تعاملات میان چین و تاجیکستان که بر هر دو حوزه اقتصاد و امنیت استوار بوده است، جنبه‌های اقتصادی رابطه با تاجیکستان برای ایالات متحده از اهمیت کمتری برخوردار بوده است. رقابت میان دو قدرت بزرگ یاد شده در

تاجیکستان بسیاری از منافع و مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است. این مقاله با استفاده از داده‌های آماری برگرفته از منابع رسمی و غیر رسمی درصدد است تا پاسخ‌های خود را در فرضیه مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به مرحله آزمون قرار دهد.

چارچوب نظری

پیشینه توجه به رهیافت‌های ژئواکونومی به طور عمده به پایان عصر جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی بازمی‌گردد. ادوارد لوتواک^۱ در ۱۹۹۰ در مطالبی با عنوان "از ژئوپلیتیک به سوی ژئواکونومی؛ منطق بحران، ساختار تجارت"^۲ به تبیین مهم‌ترین مولفه‌های روابط میان بازیگران جهانی در عصر پساجنگ سرد پرداخته است. ژئواکونومی ممکن است از دو مسیر تعریف شود؛ اول می‌توان آن را به مثابه روابط میان سیاست و تغییرات در قدرت و ژئوپلیتیک ملی قلمداد کرد (به بیان دیگر به عنوان پیامدهای ژئوپلیتیک مفهوم اقتصاد در نظر گرفته شود)؛ و یا به مثابه پیامدهای اقتصادی روندها در قدرت و ژئوپلیتیک ملی به حساب آید. هر دوی این دو مفاهیم که "تجارت دنباله‌روی قدرت است" (یعنی طرح‌های قدرت ملی از پیامد اقتصادی برخوردار هستند) و یا "قدرت دنباله‌روی تجارت است" (به مثابه این که همواره نتایج ژئوپلیتیک خاصی در مفهوم اقتصادی وجود دارد) به موضوع ژئواکونومی اشاره می‌کنند (Baru, 2012:47).

ژئواکونومی مفهومی است که تلاش می‌کند، اتصالات متنوع میان اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و امنیت را در برگیرد. در سال‌های پس از جنگ سرد بسیاری از تحلیلگران استدلال می‌کردند که در پایان جنگ سرد اهمیت قدرت نظامی نسبت به قدرت اقتصادی کاهش یافته است و بر اساس همین استدلال بر مورد دوم یعنی قدرت اقتصادی متمرکز شدند (Thirlwell, 2010:2). براساس منطق ژئواکونومی روند مناسبات میان بازیگران در عرصه جهانی همچون دوران جنگ سرد مبتنی بر کنش‌های ژئوپلیتیک نمی‌باشد، بلکه این مفهوم اقتصاد است که جایگاه ویژه‌ای در درون سازوکارهای رفتاری کشورها خواهد داشت.

^۱. Edward N. Luttwak

^۲. From Geopolitics to Geo-Economics - Logic of Conflict, Grammar of Commerce

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۵۷

بررسی نظرات لتواک نشان می‌دهد که وی همچون بسیاری از تحلیلگران امنیتی واقع‌گرا منبع اصلی رفتار تعارضی در سیاست بین‌الملل را همچنان دولت-ملت‌ها در نظر می‌گیرد چرا که بر تداوم رفتار رقابتی میان ایالات متحده و سایر قدرت‌های اقتصادی جهان تاکید دارد. در واقع در نگاه لتواک مسئله رقابت در سیاست بین‌الملل به‌رغم برخورداری از ماهیت نظامی و ژئوپلیتیک به زیور اقتصاد و مولفه‌های ژئواکونومی آراسته شده است. به طور طبیعی در این رقابت که ماهیت اقتصادی دارد، برخلاف قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی که رقابت میان قدرت‌های بزرگ در عرصه اقتصاد مرکانتیلیستی نیز ماهیتی نظامی داشت و به منازعات شدید نظامی منجر می‌شد در عصر پساجنگ سرد این قدرت‌ها با ابزار اقتصادی به میدان رقابت قدم می‌نهند. در این راستا، کنترل و نفوذ در بازارهای جهانی و منطقه‌ای و در اختیار داشتن شاهراه‌های اقتصادی بسیاری از کشورهای جهان از مهم‌ترین اهدافی است که باید از طریق ابزارهایی همچون سرمایه‌گذاری‌های جذاب خارجی و اعطای وام‌های بلندمدت و کم‌بهره به دست آید. ایجاد محدودیت در واردات، تامین سرمایه لازم جهت حمایت از طرح‌های رقابتی، فراهم کردن بستر و زیرساخت‌های رقابتی از دیگر ابزارهای ژئواکونومی به شمار می‌روند (Luttwak, 1990: 18-20).

در رقابت‌های ژئواکونومی نه تنها ابزار و علت رقابت، اقتصادی خواهد بود؛ بلکه شیوه حل و فصل اختلافات نیز اقتصادی خواهد بود. این گزاره به آن معنا است که چانه‌زنی‌های اقتصادی در کنار تلاش و رقابت برای تصرف و تسلط بر بازارها و منابع جدید از مهم‌ترین اولویت قدرت‌های جهانی در تکمیل فرایندهای ژئواکونومی به شمار خواهند رفت. در این ارتباط مناطق جذابی که هم نقش حائل و هم نقش بازار هدف را ایفا می‌کنند، نسبت به سایر مناطق از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. تاجیکستان یکی از این جمله واحدهایی است که قدرت‌های جهانی برای رقابت اقتصادی میان خود برگزیده‌اند؛ این قابلیت به واسطه موقعیت جغرافیایی ویژه در منطقه آسیای مرکزی و برخورداری از بسترها و زیرساخت‌های دشوار جهت تحقق اهداف سرمایه‌گذاری خارجی به دست آمده است.

وابستگی شدید به سرمایه‌گذاری خارجی

تاجیکستان کشوری است که در منطقه آسیای مرکزی واقع شده است. منطقه آسیای مرکزی یکی از نقاط راهبردی و بااهمیت برای قدرت‌هایی همچون روسیه، چین و آمریکا است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یکی از جمهوری‌های استقلال‌یافته، کشور تاجیکستان بود. ژئوپلیتیک تاجیکستان دارای اهمیت فراوان است. همسایگی با چین به عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی-که به آسیای مرکزی توجه ویژه‌ای دارد- یا کشور افغانستان و جنبه‌های امنیتی که برای تاجیکستان دارد و اهمیتی که مسکو به حوزه خارج نزدیک می‌دهد، همگی بیانگر موقعیت جغرافیای سیاسی ویژه‌ای است که این کشور دارا است.

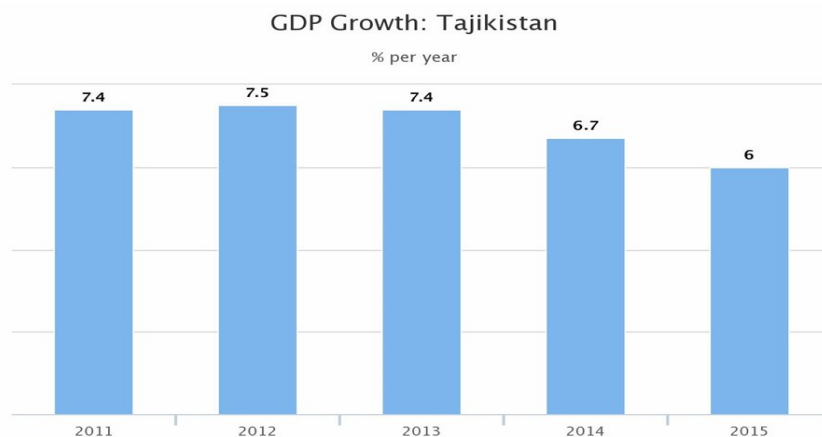
در اصل دوازدهم قانون اساسی تاجیکستان آمده است که نظام اقتصادی کشور تاجیکستان از شکل‌های گوناگون مالکیت تشکیل شده است. دولت فعالیت آزاد اقتصادی و بازرگانی آزاد و حفظ منافع تمام شکل مالکیت از جمله خصوصی را تضمین می‌کند. بنابراین سیاست درهای باز یکی از مسیرهای تامین نیازهای اقتصادی در سیاست خارجی این کشور است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵). اما مسایل اقتصادی امروز جامعه تاجیکستان را در چهار دسته کلی می‌توان تقسیم‌بندی کرد؛ ۱. اشتغال، ۲. فساد اداری، ۳. تولید و سرمایه‌گذاری خارجی و ۴. کمبود و گرانی امکانات (خراطها، ۱۳۹۳: ۵۲).

کشورهای آسیای مرکزی در زمان حیات شوروی جزیی از خاک این کشور قلمداد می‌شدند. بنابراین سیاست‌های اقتصادی و سیاسی اتحاد جماهیر شوروی در آنها به اجرا در می‌آمد. پس از استقلال یکی از بحران‌های پیش روی این کشورها، مساله توسعه و دوام اقتصادی بوده است؛ زیرا فرآیندهای اقتصادی این کشورها، تابع کشور مادر بود. به عنوان نمونه، کشور تاجیکستان از منظر اقتصادی یکی از فقیرترین جمهوری‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. حجم کل تولید ناخالص این کشور در سال ۲۰۱۵ کمتر از ۸ میلیارد دلار بوده است (خبرگزاری اسپوتنیک، ۲۰۱۶). تاجیکستان از نظر درآمد سرانه عمومی در جایگاه ۱۵۳ جهان قرار دارد و فقیرترین کشور آسیای مرکزی به شمار می‌رود. مجله آمریکایی "منابع مالی جهانی"^۱ در رتبه‌بندی «ثروتمندترین کشورهای جهان» در

^۱. Global Finance Magazine

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۵۹

میان ۱۸۵ کشور، جایگاه ۱۵۳ را به تاجیکستان اختصاص داده و اعلام کرده است که در این کشور درآمد سرانه هر نفر ۲/۸ هزار دلار است (Global Finance Magazine, 2017). اگرچه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ شاخص تولید ناخالص داخلی در تاجیکستان روند نزولی را به خود تجربه کرده است، اما در نیمه اول سال ۲۰۱۶ این شاخص بالاتر از ۶,۶ درصد تعیین شد؛ حال آن که در زمان مشابه در سال ۲۰۱۵ چیزی در حدود ۶,۴ درصد برای این شاخص اعلام شده بود. همچنین توسعه صنعت این کشور در سال ۲۰۱۶ با ۱۲,۱ درصد رشد نسبت به سال قبل، رقم ۱۴,۲ درصد را تجربه کرد. این رقم منعکس کننده افزایش ۵۰ درصدی در استخراج، ۸,۱ درصد در فناوری و ۳,۴ درصد در بهره‌وری استفاده از منابع انرژی برق بود. با این وجود، شاخص تورم در سال مالی ۲۰۱۶، حدود ۸,۵ درصد بوده است که براساس نظر کارشناسان بانک توسعه اقتصادی این میزان برای سال ۲۰۱۷، عدد ۷,۵ درصد خواهد بود (Asian Development Bank, 2017). بانک جهانی نیز در گزارش سال ۲۰۱۶ خود رشد اقتصاد تاجیکستان را در سال ۲۰۱۷، ۴/۵ درصد پیش‌بینی کرده است (World Bank Group, 2016:2).



Source: Asian Development Bank: <https://www.adb.org/countries/tajikistan/economy>

۹۳ درصد از خاک تاجیکستان کوهستانی است این یعنی تنها ۷ درصد اراضی آن قابل کشاورزی می‌باشد که به طور عمده به کشت پنبه اختصاص دارند (محمودی، ۱۳۹۲: ۸). اگرچه محصور بودن در خشکی یکی از نقاط ضعف اقتصاد تاجیکستان محسوب می‌شود، اما

در عین حال این کشور از ذخایر عظیم آبی برخوردار بوده و از این ذخایر برای تولیدات برقی در کشور خود بهره می‌برد. مهم‌ترین نیروگاه بزرگ آبی تاجیکستان نیروگاه آبی نارک^۱ است که یکی از نیروگاه‌های پر قدرت جهان به شمار می‌آید. باتوجه به برخورداری فزاینده تاجیکستان از منابع هیدروپلیتیک و سرمایه‌گذاری کشورهایی همچون چین، روسیه و ایران در این طرح‌ها و ساخت خطوط انتقال برق در آینده‌ای نزدیک می‌توان این کشور را در ردیف بزرگترین تولیدکنندگان انرژی هیدروالکترونیک جهان قرار داد.

تاجیکستان در زمینه طرح‌های آبی با توجه به برخورداری از منابع عظیم آبی روند بسیار چشمگیری را در پیش‌رو خواهد داشت. یکی از طرح‌هایی که تاجیکستان به دنبال اجرایی‌سازی آن است طرح (کاسا ۱۰۰۰)^۲ نام دارد. این طرح در سال ۲۰۰۷ مورد توجه واقع شده بود و به انتقال برق از قرقیزستان و تاجیکستان به پاکستان از راه افغانستان مربوط می‌شود. این طرح در سال ۲۰۱۵ آغاز به کار کرده و قرار است تا سال ۲۰۱۸ به اتمام برسد؛ اما یکی از مشکلات تاجیکستان در این طرح آن است که از پاکستان دچار بحران کم‌آبی شده است و بر سر طرح‌های سدسازی و استفاده از منابع آبی که تاجیکستان انجام می‌دهد با دوشنبه اختلاف دارد و طرح‌های این کشور را دلیلی بر در نظر نگرفتن حقوق آبی خود می‌داند. از سوی دیگر، هدف تاجیکستان این است که بتواند نفت خام خود را در نتیجه شروع این طرح از افغانستان دریافت کند زیرا برای تامین کارخانه‌های جدید به شدت به نفت خام نیازمند است. با عملی‌شدن این طرح دیگر لازم نیست که مواد سوختی مانند پترول، گازوئیل و روغن‌های صنعتی را با قیمت بالا از قرقیزستان و روسیه خریداری کند (Starr, 2017).

تاجیکستان برای بهره‌برداری از منابع آبی خود با دو مشکل امنیتی و اقتصادی مهم روبه‌رو است. اول آن که از منظر اقتصادی نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد و از نظر امنیتی نیز به حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای احتیاج فراوانی دارد. تاجیکستان از ذخایر نفتی ۱۱۳ میلیون تن و گاز ۸۶۳ میلیارد متر مکعب برخوردار است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اکثر این ذخایر نفتی پلمپ شدند و در حال حاضر ذخایر این کشور ۴۰۰ میلیون تن نفت و یک تریلیون و ۳۰۰ میلیون متر مکعب گاز اعلام شده است. به دلیل نداشتن توجه اقتصادی و بالا بودن هزینه‌های استخراج این کشور واردکننده انرژی از

^۱. Nurak

^۲. CASA 1000

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان ۱۶۱

ازبکستان و روسیه است که چنین روندی، امنیت انرژی آن را دچار تهدید می‌نماید. یکی دیگر از تهدیدهای اقتصادی تاجیکستان، مسئله وابستگی تولید ناخالص داخلی این کشور به درآمد کارگران مهاجر شاغل در روسیه می‌باشد. در واقع، بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی تاجیکستان از طریق پول‌هایی است که مهاجران تاجیکی به کشور می‌فرستند (زیباکلام و گودرزی، ۱۳۹۲؛ ۸۰-۸۵).

تاجیکستان پس از استقلال با بحران‌های مالی فراوانی روبه‌رو شده است. برخی از دلایل این بحران‌ها مربوط به قطع کمک‌های مالی روسیه از این کشور بوده است. همچنین حذف ارتباط تجاری آسان میان جمهوری‌های استقلال یافته از دیگر مشکلات تجاری تاجیکستان در سال‌های پس از استقلال بود. در این بین جنگ داخلی سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۷ نیز بر فشارهای اقتصادی و ضعف مالی این کشور دامن زد. بی‌ثباتی داخلی از جمله مواردی است که همواره در سال‌های پس از استقلال زمینه‌های افزایش فرار سرمایه را از این کشور فراهم کرده است. براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، فرار سرمایه‌ها از تاجیکستان میزان قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی آن را در سال‌های اخیر شامل می‌شود (Cooley, 2015:4).

عضویت تاجیکستان در سازمان‌هایی همانند تجارت جهانی، اکو، شانگهای و دریافت کمک‌های مالی که از کشورهایی همچون آمریکا و همچنین سازمان صندوق بین‌المللی پول، یونیسف و بانک جهانی و سایر نهادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دریافت می‌کند، می‌تواند به تدریج زمینه را برای رشد این کشور فراهم کند. اما این پرداخت این کمک‌ها از سوی نهادهای ذکر شده همواره با شرایط و ملاحظات همراه بوده است.

برای بهره‌مندی از مزایا و کمک‌های بین‌المللی در نوامبر ۲۰۱۶ مجلس تاجیکستان لایحه دریافت ۹۶۷ میلیون دلار وام از خارج برای سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ را تصویب کرد. وزیر دارایی تاجیکستان به هنگام تصویب این لایحه در مجلس اعلام کرد که تاجیکستان در سال ۲۰۱۶ مبلغ ۲۴۱ میلیون دلار، سال ۲۰۱۷ مبلغ ۲۰۶ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار، سال ۲۰۱۸ حدود ۲۰۴ میلیون دلار و برای سال ۲۰۱۹ نیز حدود ۲۶۷ میلیون دلار وام از خارج جذب خواهد کرد. این وام‌ها از برنامه بانک جهانی^۱، بانک توسعه آسیا^۲،

¹. World Bank

². Asian Development Bank

بانک اسلامی^۱، بانک اروپایی بازسازی و توسعه^۲ و البته اکزیم بانک چین^۳ دریافت خواهند شد (Министрсиво Финансов Республики Таджикистан, 2016). لازم به ذکر است که بیشترین میزان بدهی‌های خارجی تاجیکستان در سال‌های اخیر به این بانک چینی مربوط می‌شود (Центр Азия, 2016).

سیاست کلی کشور تاجیکستان به گونه‌ای است که به دنبال همکاری متقابل سودمند و چندوجهی با کشورهای مختلف شرق-غرب و جهان اسلام است. شاید عدم‌توان روسیه در انجام وعده‌های خود به تاجیکستان از جمله دلایلی است که موجب شده تاجیکستان سیاست درهای باز را برگزیند. یکی از مهم‌ترین منابع مطالعاتی برای بررسی ظرفیت‌ها و دورنمای تاجیکستان سند ۲۰۳۰ این کشور می‌باشد که در تاریخ اول اکتبر ۲۰۱۶ به امضای رئیس‌جمهور تاجیکستان رسید. در این سند بر جذب ۱۱۸٫۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی تاکید شده است و مواردی همچون تضمین امنیت انرژی، تبدیل تاجیکستان به یک کشور ترانزیتی، خروج از بن‌بست ارتباطی از جمله مهم‌ترین تاکیدات سند هستند. ساخت مسیرهای جدید ارتباطی (زمینی، ریلی و هوایی)، ارتقای استاندارد مسیرهای فعلی، افزایش تعداد کل جمعیت شاغل به ۴۰ تا ۷۰ درصد میزان کنونی، افزایش ظرفیت انرژی کشور از ۱۷ تا ۴۵ میلیارد کیلووات ساعت در سال، افزایش صادرات برق به کشورهای همسایه تا ۱۰ میلیارد کیلووات ساعت در سال از طریق خطوط انتقال منطقه همچون از طریق طرح کاسا ۱۰۰۰ از دیگر موارد مورد اشاره این سند هستند (Правительство Республики Таджикистан, 2016). به طور کلی در چارچوب سیاست درهای باز این کشور تلاش دارد تا بدون وابستگی به یک کشور خاص، موقعیت اقتصادی خود را ارتقا بخشد.

چهار قدرت اصلی بین‌المللی در تاجیکستان حضور دارند که ضمن برخورداری از منافع متنوع، توانایی اثرگذاری بر آینده این کشور را دارا می‌باشند. روسیه، چین، ایران و آمریکا این چهار قدرت هستند (Absher, 2013:29). تلاقی منافع این چهار قدرت در ژئوپلیتیک تاجیکستان، می‌تواند زمینه‌های ثبات و یا بی‌ثباتی آن را فراهم آورد. به عنوان نمونه، حضور آمریکا در افغانستان، موجب افزایش نگرانی‌های سایر قدرت‌ها گردیده است؛ به گونه‌ای که

¹. Islamic Bank

². European Bank for Reconstruction and Development (EBRD)

³. Eximbank

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۶۳

هریک از آنها به اشکال مختلفی در پی آن بودند که این دغدغه‌ها را مرتفع کنند. روسیه پیمان امنیت دست‌جمعی را گسترش داد و چین نیز سازمان همکاری‌های شانگهای را توسعه بخشید. تاجیکستان از اعضای هر دوی این سازمان‌ها محسوب می‌شود. ایران نیز سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی در تاجیکستان به انجام رسانیده است. مجموع این کنش‌ها موجب شد تا رهبران دوشنبه از توجه قدرت‌های یادشده به خود استقبال نموده و کمک‌های مالی، آموزشی و سرمایه‌گذاری‌های آنان را به منظور مرتفع کردن منافع خویش پذیرا باشند (3: Absher, 2013).

در ابعاد امنیتی نیز - که قوام‌بخش رشد اقتصادی کشورها می‌باشد - تاجیکستان با چند موضوع اساسی مواجه می‌باشد؛ رفتارهای تجزیه‌طلبانه در برخی از نواحی کشور همچون دره فرغانه^۱ یکی از اصلی‌ترین تهدیدهای تاجیکستان می‌باشد. مرز قرقیزستان با تاجیکستان نیز در حال تبدیل شدن به یکی از نقاط جدید ضعف و آسیب‌پذیر ناحیه فرغانه می‌باشد. عواملی نظیر مدیریت خانواده‌ای - قبیله‌ای، افزایش بیکاری، فساد مالی وضعیت پیچیده سیاسی و مذهبی بدخشان^۲ و ممنوعیت احتمالی فعالیت برخی احزاب می‌تواند، باعث افزایش روحیات اعتراضی و رشد افراط‌گرایی در میان جوانان این ناحیه شود. همچنین برافراشته‌شدن پرچم گروه تروریستی داعش در بسیاری از نقاط این مناطق موجب شده تا دولت مرکزی به فکر انجام رزمایش مشترک نظامی - امنیتی با ایالات متحده و روسیه باشد. این دو رزمایش در ماه می سال ۲۰۱۷ به انجام رسید (فارس نیوز، ۱۳۹۵/۱۲/۳۰ و خبرگزاری اسپوتنیک، ۲۰۱۷/۰۵/۲۷). در واقع، ناتوانی دولت مرکزی از پرداختن به موضوع مبارزه با تروریسم زمینه توسل به قدرت‌های خارجی را در زمینه مسایل امنیتی فراهم ساخته است. به این موضوعات می‌بایست اختلافات مرزی تاجیکستان با همسایگان خود - قرقیزستان و ازبکستان - را نیز افزود. این عوامل در مجموع به واسطه ضعف دولت مرکزی موجب شده است تا رویکرد نگاه به بیرون برای رفع تهدیدها و توسعه اقتصادی تقویت گردد.

¹. Fergana Valley

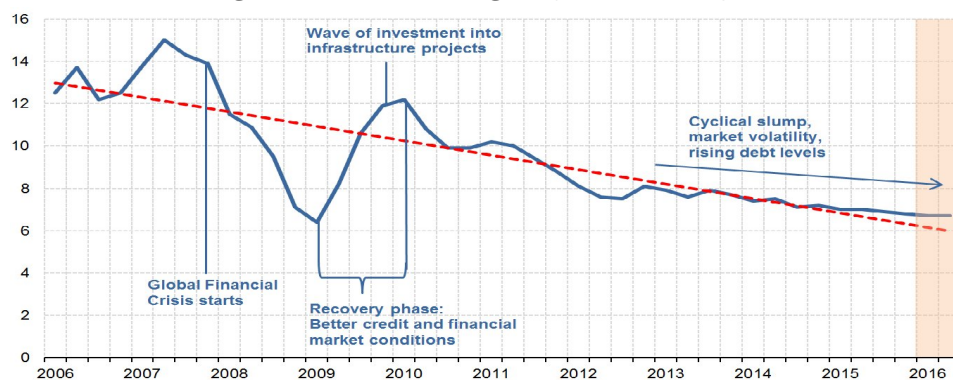
². Badakhshan

حضور چین در تاجیکستان؛ ابزارها و اهداف

چین از جمله کشورهایی است که بعد از پایان یافتن جنگ سرد این فرصت را به دست آورد که میزان نفوذ خود را در آسیای مرکزی افزایش دهد. چین به دلایلی همچون داشتن مرز مشترک و پیوستگی‌های فرهنگی و اجتماعی که با آسیای مرکزی دارد این منطقه را برای آینده راهبردی خویش بااهمیت تلقی می‌نماید.

دنگ شیائوپینگ^۱ که پس از مائو رئیس جمهور چین شد، سیاست درهای باز را برای کشور انتخاب کرد. بسیاری از این رفتار چین، پنداشتند که پکن از آن زمان تاکنون به دنبال افزایش قدرت اقتصادی خود بوده است. استدلالی که پینگ مطرح کرده بودند این بود که اگر چین نتواند اقتصاد و صنعت و فناوری بالایی داشته باشد نه تنها قادر به رقابت در صحنه بین‌المللی نیست، بلکه فرصت‌هایی که این کشور را به یک قدرت سیاسی و نظامی تبدیل خواهد کرد از دست خواهد رفت. روند رو به رشد اقتصادی چین در سال‌های آغازین هزاره سوم نیز رو به تصاعد بوده است. اگرچه نمودار زیر نشان می‌دهد که رشد تولید ناخالص داخلی سالانه چین (۶٫۹ درصد در سال ۲۰۱۵) دائماً نسبت به سال ۲۰۱۰ در حال کاهش بوده است. منتهی می‌بایست اذعان نمود که چین در حال انجام یک تحول و اصلاحات بزرگ اقتصادی است که در سال ۲۰۱۳ در هجدهمین کنگره حزب کمونیست مورد تصویب قرار گرفته است. بر این اساس انتظار می‌رود که چین رشد ۶٫۵ درصد را در سال‌های پیش‌رو تجربه نماید (Embassy of Switzerland... 2016: 4).

نمودار میانگین رشد تولید ناخالص داخلی سه ماهه، ۲۰۰۶-۲۰۱۶ [واقعی، سالانه %]



Source: Embassy of Switzerland in the People's Republic of China 2016

<http://cn.swisscham.org/>

¹ . Deng Xiaoping

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۶۵

بر اساس اهمیت موضوع اقتصاد در سیاست‌گذاری‌های چین این کشور در حال گسترش حوزه ژئواکونومی خود در آسیای مرکزی است. زیرا این منطقه می‌تواند فرصت‌های تجاری و کسب بازارهای جدید را پیش روی چین قرار دهد. تنوع‌بخشی به مسیرهای دریافت منابع انرژی از دیگر راهبردهای چین در عصر رقابت‌های شدید اقتصادی است. استفاده تک‌تعدی از مسیرها (دریایی) موجب تهدیدزا بودن مسیرهای انتقال انرژی و تهدید اقتصاد رو به گسترش چین می‌شود. راهبرد اصلی چین آن است که از منابعی بهره‌گیرد که کمتر تحت نفوذ آمریکا قرار دارند. همچنین از نظر چین آسیای مرکزی شامل جمهوری‌های استقلال یافته، افغانستان، پاکستان، ایران و مغولستان می‌باشد (آقایی و فلاحی، ۱۳۹۴: ۱۰).

بیشتر کشورهای آسیای مرکزی از لحاظ مالی پس از بحران سال ۲۰۰۸ به چین وابسته شدند؛ چرا که ویژگی‌های مهم منطقه آسیای مرکزی شامل مواردی همچون نرخ بیکاری بالا، عدم رفاه متوازن، دولت‌های اقتدارگرا و بعضاً ضعیف، همراه با رشد افراط‌گرایی است. که ضرورت سرمایه‌گذاری خارجی را در آن افزایش داده است. به عنوان نمونه، حجم کل سرمایه‌گذاری چین در تاجیکستان در سال ۲۰۱۰ به رقم ۷۰۰ میلیون دلار رسیده بود (Korolev, 2016: 21). به هنگام وقوع بحران مالی در سال ۲۰۰۸، چین و روسیه به عنوان شریک تجاری بسیار مطمئن در منطقه آسیای مرکزی ایفای نقش نمودند. با تحریم روسیه در سال ۲۰۱۴، چین نقش تثبیت‌کننده فزاینده‌ای را در اقتصاد آسیای مرکزی بر عهده گرفت (Cooley, 2015: 1). برای چین آسیای مرکزی یک منطقه راهبردی است که به واسطه برخورداری از منابع مواد خام عظیم، پس از خلیج فارس برای پکن دومین منطقه حیاتی به شمار می‌رود. از جمله این موارد می‌توان به روابط فزاینده چین با تاجیکستان در سال‌های اخیر اشاره کرد.

حضور چین در ابعاد اقتصادی و صنعتی تاجیکستان به طور چشمگیری قابل مشاهده است. در دسامبر ۲۰۱۶، یک شرکت بزرگ چینی کار ساخت یک نیروگاه اصلی برق در تاجیکستان را با سرمایه ۳۵۰ میلیون دلاری به اتمام رساند. شرکت‌های چینی سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در بخش‌های معدنی و خطوط ریلی تاجیکستان به انجام رسانیده‌اند (Presstv, 2016).

در سال‌های اخیر میزان مشارکت تاجیکستان و چین در بخش‌های مختلف سیاست - اقتصاد- فرهنگ و آموزش نیز افزایش یافته است. اگرچه حجم مبادلات تجاری تاجیکستان با چین در دو ماهه اول سال ۲۰۱۷ کاهش ۴۰ درصدی را تجربه کرد، منتهی در

سه ماهه سوم سال ۲۰۱۶ و به‌رغم رکود جهانی، پکن ۶۲ درصد از کل حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در اقتصاد تاجیکستان را برعهده داشته است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵).
 براساس سند سیاست خارجی تاجیکستان در سال ۲۰۱۵، تقویت روابط دوستانه و همکاری‌های متقابل سودمند با جمهوری خلق چین، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های جمهوری تاجیکستان در جهت‌گیری آسیایی سیاست خارجی آن محسوب می‌شود. این روابط به واسطه تلاش‌های دو طرف به یک سطح راهبردی رسیده و زمینه را برای گسترش همکاری‌ها در ابعاد سیاسی، امنیتی، نظامی و فنی، تجاری، اقتصادی و فرهنگی فراهم ساخته است (Konceptsiya Vneshney Politiki Respubliki Tadjikistan, 2015: 5).

پکن در سال ۲۰۱۰ نیز بزرگترین شریک تجاری دوشنبه با ۳۳ درصد از کل تجارت این کشور بود در حالی که در این سال تجارت تاجیکستان با روسیه تنها ۱۹ درصد اعلام شده بود. با توجه به آن که تاجیکستان ۲/۳ از کل وام‌های چین را در آسیای مرکزی دریافت می‌کند، در نتیجه تبدیل به بزرگترین بدهکار چین در آسیای مرکزی شده است. سطح بدهی‌های تاجیکستان نسبت به همسایگانش بسیار چشمگیرتر است به طوری که بیش از ۱/۳ بدهی‌های تاجیکستان به همین وام‌های چین مربوط می‌شود. بیشترین سرمایه‌گذاری چینی‌ها در تاجیکستان در بخش‌های مختلف حمل‌ونقل همانند ساخت‌وساز راه‌ها- تونل‌ها - پل‌ها و استحکامات و پایانه‌های حمل و نقل صورت پذیرفته است (Peyrouse, 2011:2).

حجم معاملات تجاری بین پکن و دوشنبه در سال ۲۰۱۲ به ۲ میلیون دلار رسید و چین را در بین سه شریک بزرگ تجاری تاجیکستان قرار داد. در سال ۲۰۱۳ چین و تاجیکستان قرارداد مسیر چهارم خط لوله انتقال گاز خزر را امضا کردند. براساس این طرح، چین در تاجیکستان ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرد. باتوجه به گزارش بانک جهانی، بانک صادرات- واردات چین به عنوان بزرگترین موسسه مالی محسوب می‌شود که تا سال ۲۰۱۴ به میزان ۴۱,۳ درصد از بدهی‌های خارجی تاجیکستان را از آن خود دارد. بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی با ۱۶,۴ و ۱۴,۳ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند (Cooley, 2015:3). به اعتقاد برخی از کارشناسان با توجه به آن که حجم سرمایه‌گذاری‌های چین در تاجیکستان بیش از توان بازپرداخت دوشنبه است در نتیجه استقلال اقتصادی این کشور فقیر آسیای مرکزی نیز به طور ضمنی از آن گرفته خواهد شد (احمدیان و رضازاده، ۱۳۹۱: ۴۵). اگرچه به این نکته باید

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۶۷

توجه کرد که چین فارغ از شرایط سخت و پیچیده بانک جهانی به تاجیکستان وام اعطا کرده است.

از سال ۲۰۱۵ به بعد، تعداد شهروندان چینی که در تاجیکستان زندگی و یا کار می‌کنند، ۳۰ درصد افزایش یافته است و در حدود ۱۵۰ هزار کارگر چینی در این کشور مشغول به کار هستند. این مسئله در کنار خرید اراضی کشاورزی توسط شهروندان چینی از تاجیکستان تبدیل به یکی از مهم‌ترین موضوعات موجود در تاجیکستان خواهد شد. موضوعی که بسیاری از آن تحت عنوان چینی‌سازی^۱ تاجیکستان یاد می‌کنند (Goble, 2016). این تحولات متعاقب مذاکرات دو کشور در سال ۲۰۱۳ پیرامون ایجاد یک منطقه آزاد کشاورزی توسط چین در تاجیکستان به وقوع پیوسته است (China Daily, 2013).

با این حال چین تنها از ابزار اقتصادی برای حضور در آسیای مرکزی و به ویژه تاجیکستان بهره نبرده است. یکی از اصلی‌ترین ابزارهای پکن در این منطقه بسط و گسترش زبان چینی و حمایت از افرادی است که آموزش این زبان را در برنامه‌های خود به طور جدی قرار داده‌اند. به عنوان نمونه موسسات کنفوسیوس چین^۲ که مسئول آموزش زبان و فرهنگ چینی در دنیا هستند در آسیای مرکزی نیز شعبات متعددی را ایجاد کرده‌اند. ماموریت این نهاد، نمایش یک تصویر مناسب و ملایم از چین برای جهان جهت توسعه اهداف سیاست خارجی چین است. الگوی رفتاری چین در حوزه فرهنگ این طور تحلیل خواهد شد که پکن برای معامله با آسیای مرکزی به اجبار نظام‌مندانه همچون غرب روی نیاورده است. (همچون ادغام کشورها در نظام اقتصادی لیبرال و یا تغییر اجباری نظام‌های سیاسی به نظام سیاسی لیبرال دموکراسی)، بلکه چین در تعامل خود با آسیای مرکزی صرفاً براساس الگوی مشترک اقتصادی پیش رفته است. الگوی رفتاری چین در آسیای مرکزی بر دو اصل مهم دیپلماسی عمومی و اعطای کمک‌های اقتصادی مبتنی بوده است. همچنین ذکر این موضوع ضروری است که در دانشگاه ملی^۳ تاجیکستان و موسسه معدن و متالوژی^۴ این کشور موسسه کنفوسیوس چین شعبه دارند. این موارد را می‌توان از جمله ابزارهای قدرت نرم چین جهت پیشبرد اهداف اقتصادی برشمرد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

^۱ . Sinification

^۲ . Confucius Institute

^۳ . Tajikistan Nationality University

^۴ . Mining and Metallurgy Institute of Tajikistan

حضور ایالات متحده در تاجیکستان؛ اهداف و ابزارها

امریکا جزء اولین کشورهایی بود که استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی را پذیرفت و استقلال تاجیکستان را نیز در سال ۱۹۹۲ پس از ایران به رسمیت شناخت و سفارت خود را در تاجیکستان دایر کرد. در دهه اول پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاجیکستان (با وجود جنگ داخلی) برای آمریکا اهمیت نداشت، بنابراین تاجیکستان تحت حمایت روسیه قرار گرفت. پیرامون تداوم ارتباط موثر با تاجیکستان در محافل فکری ایالات متحده دو دسته نگاه خوش‌بینانه و بدبینانه وجود دارد؛ براساس دیدگاه‌های خوش‌بینانه تا به امروز، ایالات متحده در هر رابطه‌ای با آسیای مرکزی نتوانسته به اهداف بلندپروازانه و راهبردی خود دست یابد. آسیای مرکزی به مثابه یک چالش سیاست خارجی آمریکا محسوب نمی‌شود. منتهی به دلیل ماهیت شکننده‌ای که دارد، پرداختن به آن توسط دستگاه سیاست خارجی آمریکا ضروری می‌نماید. طرفداران این دیدگاه معتقد هستند که آسیای مرکزی یکی از دشوارترین حوزه‌هایی است که هرگونه سرمایه‌گذاری سیاسی، اقتصادی و حقوقی آمریکا در آن با ریسک‌های فراوانی همراه خواهد بود. این مسئله ناشی از دو موضوع می‌باشد. در وهله اول، وجود همسایگان قدرتمندی همچون چین، روسیه و ایران در محیط پیرامونی این منطقه؛ و در وهله دوم، جایگاه پایین توسعه‌یافتگی برخی از کشورهای این منطقه همچون تاجیکستان، که براساس گزارش کسب و کار بانک جهانی در سال ۲۰۱۱، رتبه این کشور در شاخص سهولت انجام تجارت در میان ۱۸۳ کشور دنیا، ۱۳۹ بود. دامنه محدود سرمایه‌گذاری‌های خصوصی آمریکایی نیز در این حوزه تایید کننده وجود برخی خطرات و محدودیت‌ها است. این دسته از افراد معتقد هستند که چنانچه الگوی رفتار اقتصادی ایالات متحده در این منطقه با عقلانیت راهبردی و به رسمیت شناختن منافع سایر قدرت‌ها همراه باشد، می‌توان به آینده آن امیدوار بود (Armitage, 2011:5).

از سویی دیگر برخی از تحلیلگران با نگاه تردیدآمیز نسبت به آینده روابط دو کشور معتقد هستند که به دلیل وجود فساد گسترده، تنش‌های اجتماعی، شرایط بد اقتصادی و روابط ناپایدار با همسایگان تاجیکستان یک شریک مشکل‌ساز به ویژه در شرایط همکاری نظامی برای ایالات متحده خواهد بود. براین اساس اعتماد کاخ سفید و پنتاگون به چنین شرکایی در آسیای مرکزی می‌تواند به مثابه یک راهبرد خطرناک تلقی گردد که ممکن است

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۶۹

بار امنیتی اضافی را برای اقتصاد ایالات متحده که خود شرایط بحرانی را در ابعاد اقتصادی تجربه می‌کند به همراه آورد (Voloshin, 2012).

امریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که در منطقه آسیای مرکزی حضور پیدا کرد، بخش اعظم حملات خود را علیه طالبان از طریق منطقه آسیای مرکزی انجام داد. در ازبکستان و قرقیزستان پایگاه‌های نظامی ترتیب داد و اجازه عبور از حریم هوایی کشورهای مانند روسیه، قزاقستان و تاجیکستان را گرفت. هرچند به صورت عملی از تاجیکستان بهره نبرد. آن هم به دلیل این که باند فرودگاه‌های تاجیکستان برای هواپیماهای آمریکایی غیراستاندارد بود. تاجیکستان در سال ۲۰۰۲ به عضویت ناتو درآمد و همچنین به نیروهای نظامی آمریکا در کشورش مصونیت‌های دیپلماتیک داد. سند سیاست خارجی تاجیکستان در سال ۲۰۱۵ عنوان می‌کند که جمهوری تاجیکستان با توجه به نفوذ، اعتبار و نقش ایالات متحده در جهان سیاست و اقتصاد جهانی، تلاش‌های خود را برای توسعه روابط چندوجهی براساس منافع متقابل و حفظ شخصیت شراکتی خویش ادامه خواهد داد (Концепция Внешней ... Таджикистан, 2015:6).

به طور کلی در سال‌های اخیر، مقامات آمریکایی از یک سو از تلاش‌های سازمان همکاری‌های شانگهای در آسیای مرکزی که تاجیکستان نیز عضو آن می‌باشد، حمایت کرده، اما از سویی دیگر از اقدامات مالی بانک جدیدالتاسیس توسعه بریکس^۱ و بانک سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی آسیا^۲ انتقاد جدی می‌کنند. این انتقادات به طور عمده بدان صورت اظهار می‌شود که چینی‌ها نسبت به بسیاری از استانداردهای مطلوب حکمرانی، جهت پرداخت وام با مسامحه برخورد می‌کنند. در حالی که آمریکایی‌ها معتقد هستند که تاجیکستان بدون رعایت بسیاری از معیارها در ژانویه ۲۰۱۵ به عضویت بانک سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی آسیا در آمده است و از کمک‌ها و مزایای آن برخوردار می‌شود. براساس گزارش گروه بین‌المللی بحران، چگونگی حمایت مالی چینی‌ها از ساخت بزرگراه دوشنبه-چاناک^۳ نمونه مناسبی برای توصیف این نوع از رفتار حمایتی و غیرشرطی می‌باشد (Cooley, 2015:5).

¹. New Development Bank (NDB); BRICS Development Bank

². Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

³. Dushanbe-Chanak highway

در تاجیکستان زمینه‌های حضور جریان‌های افراطی بسیار مساعد است و این برای امنیت کشورهای منطقه نیز چندان خوشایند نیست. براین اساس آمریکا نیز خواستار افزایش مبارزه تاجیکستان در برابر افراط‌گرایی و تروریسم است. هرچند حمایت‌های آمریکا در اینجا با تلاش‌هایی که چین و روسیه در غالب سازمان همکاری شانگهای انجام می‌دهند با هم در یک راستا قرار دارد، اما به هر حال هر یک از دولت‌ها در یک نظام آنارشیک با سیاست‌هایی که در پیش می‌گیرند به دنبال نیل به منافع راهبردی خود می‌باشند. در این ارتباط از سال ۲۰۱۰ رایزنی‌های دوجانبه سالانه‌ای بین آمریکا و تاجیکستان با هدف افزایش همکاری‌ها در سطوح اقتصادی و دیگر مسائل صورت گرفته است.

در فوریه ۲۰۱۰، ایالات متحده و تاجیکستان رایزنی‌های دوجانبه سالانه را به منظور افزایش همکاری‌های اقتصادی و امنیتی راه اندازی کردند. دور بعد این مذاکرات در ۱۷ و ۱۸ ماه مه ۲۰۱۲ برگزار گردید. این مذاکرات بیشتر بر تامین امنیت مرزی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در تاجیکستان متمرکز بوده است. همچنین در این مذاکرات آمریکا متعهد شد تا از پیوستن تاجیکستان به سازمان تجارت جهانی حمایت به عمل آورد. همکاری در حوزه آموزش، تبادلات فرهنگی، مسایل حقوق بشر و منابع آبی از دیگر موضوعات مورد بحث در مذاکرات بود. در دوره اول ریاست جمهوری اوباما، آمریکا نگاه ویژه‌ای را به آسیای مرکزی معطوف کرده بود. هیلاری کلینتون وزیر وقت امور خارجه آمریکا در دیدار با رئیس‌جمهور تاجیکستان از این کشور به عنوان یک شریک قدرتمند در فرایند ایجاد ثبات و صلح در افغانستان یاد کرد و نقش آن را در احیای جاده ابریشم جدید مهم قلمداد نمود (Nicol, 2013:16).

براساس آمار منتشر شده توسط آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا این کشور در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰ جمعاً حدود ۹۸۸،۵۷ میلیون دلار برای کمک‌های انسان‌دوستانه به تاجیکستان اختصاص داده است. میزان کمک‌های آمریکا به تاجیکستان در سال ۲۰۱۱، ۴۴،۴۸ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲، ۴۵،۱ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۴، ۳۶،۴ میلیون دلار بود. این کمک‌ها در مواردی همچون تقویت امنیت غذایی، تقویت روابط تجاری دو طرف، مبارزه با انواع بیماری‌ها، افزایش کمک هزینه دانشگاه آمریکایی در آسیای مرکزی، تقویت سازمان غیردولتی، حمایت از رسانه‌های مستقل و مشارکت شهروندان دارای اولویت‌بندی ویژه‌ای بود (Nicol, 2013:17).

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۷۱

همچنین اژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده^۱ که هدف از ایجاد آن پیشبرد منافع سیاست خارجی آمریکا در چارچوب گسترش دموکراسی و بازار آزاد در کشورهای در حال توسعه است در آگوست ۲۰۱۶ طرح اصلاحات ارضی و بازسازی مزارع تاجیکستان را در طول مدت سه سال به انجام رساند. هدف از انجام این طرح حمایت از بازسازی مزارع و همکاری نزدیک با گروه‌های دولتی و غیردولتی جهت افزایش ضریب امنیت مالکیت زمین عنوان شده بود (sputnik.com: 2016).

همچنین آمریکا مسیر نفوذ خودش را به کشور تاجیکستان از طریق نهادهای غیردولتی می‌داند؛ چرا که به اعتقاد آمریکایی‌ها در نهادهای اقتصادی این کشور فساد گسترده حکم‌فرما است و هرچند دوشنبه تلاش‌هایی را برای تصویب قوانین شفاف‌سازی مالی انجام داده است، با این حال سیستم اداری شوروی در این کشور هنوز وجود دارد و این مشکلی بزرگ نه تنها برای تاجیکستان، بلکه برای سایر کشورهای منطقه نیز پدید آورده است. اختصاص بورس تحصیلی برای دانشجویان تاجیکی، تحت برنامه حمایت از دموکراسی^۲ و بورس فولبرایت^۳ توسط وزارت خارجه ایالات متحده یکی از برنامه‌های اصلی اجتماعی آمریکا در تاجیکستان برای ایجاد تغییرات بنیادین می‌باشد. هدف این برنامه، اعطای کمک‌های مالی به اعضای است که در اجرای فعالیت‌هایی با هدف توسعه اصلاحات اقتصادی و ترویج دموکراسی در این کشور آسیای مرکزی مشارکت دارند (United States Embassy in Tajikistan, 2016).

جایگاه تاجیکستان در ابتکار ۵+۱^۴ ایالات متحده در آسیای مرکزی

سفر جان کری^۵ - وزیر خارجه وقت آمریکا - در نوامبر ۲۰۱۵ به آسیای مرکزی و دیدار از ۵ کشور منطقه در قالب ابتکار ۵+۱ به عنوان آغاز دور جدیدی از تلاش‌های واشنگتن جهت نفوذ در منطقه آسیای مرکزی بود. بسیاری این سفر را حلقه تکمیلی سفر نارندرا مودی^۶، نخست وزیر هند و شینزو آبه^۷، نخست وزیر ژاپن تفسیر نمودند که از سوی ایالات

^۱ . USAID

^۲ . Democracy Support Program

^۳ . Fulbright Scholar Program

^۴ . C (5+1)

^۵ . John Kerry

^۶ . Narendra Modi

^۷ . Shinzo Abe

متحده برای کنترل رفتارهای اقتصادی و سیاست‌های راهبردی چین در منطقه و البته تاحدودی نیز توازن‌بخشی به راهبردهای روسیه در منطقه خاورمیانه در پیش گرفته شد. در این سفر، جان کری تمرکز ویژه‌ای بر گسترش همکاری با تاجیکستان داشت و از این کشور به عنوان یکی از شرکای ویژه آمریکا در منطقه یاد کرد. کری در این دیدار تاکید کرد که آمریکا باید تمام تلاش خود را معطوف به خروج اقتصادی و جغرافیایی تاجیکستان بنماید (Панфилова, 2015). این اظهارات جان کری از سوی رئیس‌جمهور تاجیکستان نیز با استقبال مواجه شد. تاجیکستان در سال ۲۰۱۵ یک توافقنامه تجارت و سرمایه‌گذاری با ایالات متحده و دیگر کشورهای آسیای مرکزی به منظور ایجاد یک مجموعه منطقه‌ای جهت مشورت پیرامون راه‌های بهبود شرایط سرمایه‌گذاری و توسعه تجارت در آسیای مرکزی امضا کرد (US Department of State, 2016).

بر این اساس به نظر می‌رسد که ایالات متحده توسعه روابط با کشورهای آسیای مرکزی را در سال‌های آینده مدنظر دارد ولی به بهانه تأمین امنیت مرزهای آسیای مرکزی با افغانستان به نظر می‌رسد که به دنبال تحکیم حضور خود در تاجیکستان است. چرا که با توجه به اظهارات کری در شهر دوشنبه این طور به نظر می‌رسد که کاندیدای اصلی گسترش نفوذ و تحکیم حضور آمریکا در مرحله اول، کشور تاجیکستان است. واکنش روسیه و چین نیز با توجه به حضور لشکر ۲۰۱ موتوری روسیه در تاجیکستان، همچنین عضویت دوشنبه در سازمان همکاری شانگهای و سرمایه‌گذاری‌های عظیم چین در این کشور برای کاخ سفید قابل تأمل خواهد بود. چین علاوه بر همکاری‌های گسترده اقتصادی در منطقه، تمایل و علاقه‌مندی شدید خود را به ایجاد روابط سیاسی و نظامی با منطقه پنهان نمی‌کند. نشانه این موضوع را در مانور مشترک نیروهای چینی و تاجیکی باید جستجو کرد (Панфилова, 2015).

کمک‌های ایالات متحده به تاجیکستان (ارقام به میلیون دلار)

	سال ۲۰۱۳	سال ۲۰۱۴	سال ۲۰۱۵	سال ۲۰۱۶	سال ۲۰۱۷
مجموع کمک‌ها	۴۰,۶۲۱,۰۰۰	۳۸,۰۷۷,۸۴۱	۲۸,۹۴۵,۰۰۰	۲۹,۶۶۶,۰۰۰	۴۱,۵۷۰,۰۰۰
کمک اقتصادی	۱۱,۶۵۰,۰۰۰	۱۰,۲۷۰,۰۰۰	۷,۳۲۰,۰۰۰	۸,۳۳۰,۰۰۰	۱۸,۴۹۰,۰۰۰

Source: <http://beta.foreignassistance.gov/explore/country/Tajikistan>

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۷۳

ابتکار ۵+۱ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی از چند ویژگی مهم برخوردار است؛ اول آن که این ابتکار یک مجموعه منطقه‌ای در آسیای مرکزی بدون حضور افغانستان می‌باشد، دوم آن که این ابتکار، تشکیل یک مجموعه منطقه‌ای بدون حضور سایر قدرت‌های ذی‌نفع است، همچنین از نظر زمانی، طرح این ابتکار با تاثیر منفی تحریم‌ها علیه روسیه و کاهش قیمت‌ها به واسطه آن تحریم‌ها همراه بود. از سویی دیگر، چنین رویکردی قالب جدیدی از تمرکز امنیتی از سوی واشنگتن بود که نشان می‌داد کاخ سفید در ورای ناتو به کنش‌گری اقتصادی با کشورهای منطقه روی آورده است. در نهایت آن که در بررسی تطبیقی در بعد اقتصادی روشن می‌شود که حمایت آمریکا از آسیای مرکزی توسط بخش خصوصی قرار است که به انجام برسد، اما حمایت‌های چین برعکس توسط بخش بزرگ دولتی در حال تحقق است. اگرچه جان‌کری در پایان این دیدارها اعلام کرد که حضور وی در این نشست‌ها به منزله نفی نقش و منافع سایر قدرت‌های ذی‌نفع نخواهد بود، منتهی چگونگی طراحی شرکت‌کنندگان در نشست‌ها و تصمیمات آن، نشان‌دهنده واقعیت رقابت‌های میان آمریکا و قدرت‌هایی همچون روسیه، چین و ایران بود (kim, 2015).

تاجیکستان و جاده‌های ابریشم

در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ و جنگ ایالات متحده با تروریسم، کشورهایایی همچون تاجیکستان به واسطه مجاورت جغرافیایی با افغانستان از منظر امنیتی برای واشنگتن اهمیت فزاینده‌ای داشتند. با فروکش کردن هیجان‌های ناشی از جنگ علیه تروریسم، بخش اصلی اهداف لشکرکشی به این منطقه راهبردی جهان، خود را نمایان ساخت. از این مقطع زمانی، موسسات تحقیقاتی در ایالات متحده تمرکز خود را بر ترسیم هندسه اقتصادی منطقه براساس معیارهای مطلوب خود در آینده آغاز کردند. از سوی دیگر، چین نیز برای ایفای نقش تقابلی و رقابتی در این فرایند با اندکی تاخیر به این ساختار ملحق شد. هردو بازیگر شروع به ترسیم مسیرهای تجاری و اقتصادی منطقه براساس الگوهای مطلوب خود نمودند که در اصطلاح آن را احیای جاده ابریشم نام نهادند. دلیل این نام‌گذاری از سوی هر دو کشور به سابقه درخشان این نام در روابط پرسود تجاری میان ملت‌های منطقه از نقطه نظر تاریخی باز می‌گردد. کشورهای آسیای مرکزی از جمله کشورهای هستند که محصور در خشکی هستند و از این منظر دچار ضعف و مشکلات صادراتی می‌باشند. بنابراین

حمایت از سرمایه‌گذاران در ایجاد این طرح‌ها از مهم‌ترین بایسته‌های کشورهای این منطقه همچون تاجیکستان به شمار می‌رود. تاجیکستان در هردوی این طرح‌ها جایگاه ویژه و محوری دارد؛ به‌خصوص در جاده ابریشم جدید پیشنهادی از سوی چینی‌ها نقش این کشور بارز می‌باشد.

یک راه، یک کمربند^۱ عنوان یک طرح خشکی و دریایی است که بدون ملاحظات ایدئولوژیک در سال ۲۰۱۳ توسط چین مطرح شده است؛ در برابر این طرح یک طرح آمریکایی قرار گرفته بود با عنوان جاده جدید ابریشم^۲ که توسط هیلاری کلینتون در سال ۲۰۱۱ طرح شده بود اما با این تفاوت که در این طرح بحث‌های ایدئولوژیک پر رنگ‌تر است. مسیرهای مطرح شده در طرح آمریکا زیر ساخت‌های روسیه را به کشورهای آسیای مرکزی و سپس به افغانستان هدایت می‌کند و بعد هم به پاکستان متصل خواهد شد و در نهایت در هند خاتمه خواهد یافت. این طرح را آمریکا زمانی جدی‌تر مطرح کرد که ناتو در سال ۲۰۱۴ از منطقه خارج شده بود. اما در عین حال مسیر چین همان مسیر جاده ابریشم قدیمی است. این طرح در دو غالب خشکی و دریایی دنبال می‌گردد. طرح خشکی آن از نواحی مرکزی چین آغاز می‌شود و با عبور از آسیای مرکزی (تاجیکستان)، ایران، عراق، سوریه و ترکیه به اروپا می‌رسد. طرح چین موجب می‌شود که کشورهای همچون قزاقستان و تاجیکستان بتوانند خطوط انرژی برق را به بازارهای پاکستان متصل کنند. همچنین تاجیکستان قادر خواهد بود که محصولات کشاورزی و پنبه خود را به جای صادرکردن به روسیه مستقیماً به بازارهای جنوب آسیا صادر کند. در حال حاضر بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا^۳ اصلی‌ترین نهاد مالی در خدمت احداث و گسترش جاده ابریشم چینی است. اما طرح جاده ابریشم آمریکا که در سال ۲۰۱۱ توسط هیلاری کلینتون اعلام شد، پیش‌تر توسط فردریک استار^۴ مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته بود. مهم‌ترین ویژگی این طرح؛ نادیده گرفتن ایران و چین، تاکید بر خطوط ارتباطی ریلی و انرژی روسیه، آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان، هند بود که هدف آن اتصال دریای بالتیک به جنوب آسیا، نقل و انقالات سریع و تسهیل شده به افغانستان در مجاورت چین بود (یزدانی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۳: ۱۲-۱۶).

^۱ One Road, One Belt

^۲ New Silk Road

^۳ Asia Infrastructure Investment Bank

^۴ Frederick Starr

در چارچوب طرح کمربند اقتصادی راه ابریشم، چین بر گسترش روابط با آسیای مرکزی تاکید دارد. ورای این مسئله، دوشنبه نیز از برقراری یک رابطه راهبردی و حضور روبه رشد پکن در اقتصاد تاجیکستان استقبال می‌کند. این موضوع از طریق افزایش تجارت، جریان سرمایه‌گذاری و یا همکاری در توسعه زیرساخت‌ها منعکس گردیده است. در واقع، تاجیکستان هیچ محدودیتی را برای حضور اقتصادی چین در این کشور مدنظر قرار نمی‌دهد و تجارت با چین را موضوعی کاملاً مثبت و بدون ملزومات ناخوشایند سیاسی و غیره می‌پندارد.

همزمان با سفر رئیس‌جمهور چین به دوشنبه در سال ۲۰۱۴، برنامه همکاری‌های اقتصادی دو کشور در چارچوب راه ابریشم تا سال ۲۰۲۰ مورد تصویب طرفین قرار گرفت که ترسیم‌کننده آینده روابط راهبردی آنها محسوب می‌شود. این سند بر جنبه‌های اقتصادی روابط دوجانبه از جمله افزایش ۳ میلیارد دلاری سطح تجارت طرفین تا سال ۲۰۲۰، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و تکمیل طرح‌های زیرساختی توسط حمایت‌های مالی چینی‌ها تاکید دارد. این زیرساخت‌ها مواردی همچون مسیر چهار خط لوله گاز چین-آسیای مرکزی است که در آن تاجیکستان نقش یک واحد انتقال‌دهنده را برعهده خواهد داشت. در جریان دیدار رهبران دو کشور، یک موافقت‌نامه مبنی بر سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلاری مستقیم چین در تاجیکستان به امضای طرفین رسید که در نوع خود حائز اهمیت بوده است (Kuchins et al, 2015:16).

به طور کلی، تاجیکستان در هردوی طرح‌های ارائه شده از سوی چینی‌ها و آمریکایی‌ها که به عنوان احیای جاده ابریشم جدید یاد می‌شوند، نقش ویژه و پُررنگی را در اختیار دارد. درک چرایی اجرای چنین نقشی از سوی دوشنبه به ویژگی‌های اقتصاد شکننده آن و نیز عدم توانمندی مستقل در تأمین امنیت ملی آن مربوط می‌شود. در چنین فضایی، با توجه به نیاز فزاینده این کشور به حمایت و سرمایه‌گذاری اقتصادی و امنیتی خارجی، تاجیکستان از هردوی این طرح‌ها استقبال نموده و نسبت به هیچ‌کدام پاسخ منفی صادر نکرده است.

منافع ایران

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی زمینه برای حضور ایران در آسیای مرکزی مهیا شد. منطقه آسیای مرکزی به دلیل سابقه فرهنگی-تاریخی و تمدنی که با ایران دارد، همواره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دارای اهمیت بوده است. سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی بر محوریت غیر ایدئولوژیک است؛ این به معنای عدم دخالت

در امور داخلی کشورهای منطقه و گسترش همکاری‌های اقتصادی با آنها می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک جامی، ۱۳۹۵: ۲۷).

تاجیکستان یکی از کشورهای مستقل آسیای مرکزی است که مناسبات زبانی و فرهنگی و تمدنی زیادی با ایران دارد. ایران نیز چهارمین کشوری بود که استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخت و در عین حال اولین کشوری بود که سفارت خود را در تاجیکستان دایر کرد. در سند سیاست خارجی تاجیکستان در سال ۲۰۱۵ نیز این طور آمده است که در روابط میان تاجیکستان و ایران، مولفه‌های مشترک تاریخی، زبانی و فرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارند. جمهوری تاجیکستان در آینده نیز تلاش خواهد کرد تا همکاری‌های دوجانبه دوستانه با ایران را در چارچوب‌های دوجانبه و چندجانبه گسترش دهد (Концепция ..Республики Таджикистан, 2015:5).

انگاره‌های هویتی تاریخی و زبانی ایران و تاجیکستان موجب پی‌ریزی روابط همکاری جویانه و روبه‌رشد میان این دو کشور شد. از ابتدای استقلال گسترش روابط تجاری و اقتصادی با ایران، همچون گسترش روابط با روسیه و چین در دستور کار تاجیکستان قرار داشت. در دهه گذشته، ایران نزدیک به ۳ تا ۵ درصد تجارت جهانی تاجیکستان را پس از روسیه، چین و قزاقستان به خود اختصاص داده است. هم‌اکنون ۱۵۰ شرکت با سرمایه ایران در مناطق مختلف تاجیکستان در حال فعالیت هستند. همچنین تهران نقش مهمی را در برخی طرح‌های ترانزیتی و تعدادی طرح‌های زیرساختی ایفا نموده است. این مجموعه شامل نیروگاه سنگ توده^۱ - جای که ایران ۱۸۰ میلیون دلار در آن سرمایه‌گذاری کرده است - و تونل انزاب^۲ - که دوشنبه را به دره فرغانه شمالی^۳ و شهر خجند^۴ متصل می‌کند - می‌باشد (Kuchins et al, 2015: 12-13).

از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ میزان روابط تجاری ایران و تاجیکستان تقریباً با روند کاهشی روبه‌رو است (فیروز آبادی و دامن پاک جامی، ۱۳۹۵: ۴۸). به طوری که تخمین زده می‌شود، حجم روابط تجاری دو کشور بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار بوده باشد (Milani & Mankoff, 2016:19). دلیل اصلی این مسئله مربوط به تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران ذکر شده است. در دوره اوباما، آمریکا به طور مستقیم از اجرای

¹. Sangtuda 2 Hydroelectric Power Plant

². Anzob Tunnel

³. North Fergana

⁴. Khujand

بسیاری از طرح‌ها توسط ایرانی‌ها در تاجیکستان اظهار نارضایتی می‌کرد و فعالانه به دنبال دلسرد کردن طرف تاجیکی از پیگیری روابط اقتصادی با ایران بود. در یک کنفرانس خبری در شهر دوشنبه در ۲۷ مارس سال ۲۰۱۲، رابرت بلیک^۱، دستیار وزیر امور خارجه آمریکا در امور آسیای جنوبی و مرکزی از قطع ارتباط با ایران در تاجیکستان و دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی صحبت به میان آورد. به اعتقاد بلیک "مطابق با تحریم‌های امریکا علیه ایران، ایالات متحده همه کشورهای منطقه را تشویق به عدم تجارت و معامله با دولت ایران می‌نماید تا به این وسیله بر این کشور برای تعامل با جامعه بین‌المللی در مورد نگرانی‌هایش پیرامون برنامه هسته‌ای ایران فشار وارد کند..." (Clark, 2015: 261).

از سویی دیگر، جایگاه تجاری ایران در تاجیکستان توسط سایر کشورها نیز در حال تهدید است. همسایگی چین با تاجیکستان و توجه دوشنبه به جذب سرمایه‌گذاری بدون دغدغه در حوزه‌های اقتصادی یکی از اصلی‌ترین موضوعات پیش‌روی ایران در تعامل با تاجیکستان می‌باشد. دوشنبه با توجه به خلاء حمایتی روسیه به دنبال حامیان اقتصادی جدیدی برای خودش است. در نتیجه چین به دلیل اهمیت امنیتی و سیاسی تاجیکستان میزان واردات و صادرات خود را در یک وضعیت قابل قبول برای این کشور قرار داده است و در این بین آمریکا و اتحادیه اروپا و حتی ایران آن گونه نتوانسته‌اند در تاجیکستان نفوذ اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. اما ایران با تعامل بیشتر و افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌تواند در تاجیکستان نفوذ فزاینده‌ای داشته باشد.

نتیجه‌گیری

یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های دولت تاجیکستان جذب سرمایه‌گذاری خارجی جهت اجرایی‌سازی و تکمیل طرح‌های اقتصادی کشور است. همچنین تاجیکستان به‌رغم برخورداری از منابع آبی فراوان در سایر زمینه‌های انرژی با مشکل متعدد مواجه است. به همین دلیل از این کشور به عنوان فقیرترین کشور آسیای مرکزی یاد می‌شود. مجموع این مسایل در کنار موقعیت مهم این کشور در کنار مرزهای افغانستان، چین و منطقه راهبردی

¹. Robert O. Blake

آسیای مرکزی موجب شده تا نگاه قدرت‌های بزرگ به آن دوچندان گردد. به طوری که بخش عمده تحولات موجود در تاجیکستان متأثر از نقش این قدرت‌ها می‌باشد.

در چارچوب نگاه واقع‌گرایی و منطق حاکم بر روابط قدرت‌های بزرگ، قواعد رفتاری به کشورها این درس را می‌آموزد که امنیت یک کشور زمانی دچار خدشه می‌شود که قدرت رقبا افزایش یابد. آمریکا بر اساس همین نگاه واقع‌بینانه، امنیت و منافع ملی خود را با قدرت گرفتن چین در آسیای مرکزی در خطر می‌بیند. کشور چین شریک اصلی تجاری آمریکا است؛ اما در عین حال رقیب آمریکا نیز می‌باشد. سیاست اصلی اقتصادی آمریکا پیرامون نقش چین به طور کلی در آسیای مرکزی حول دو مسئله و دغدغه زیر می‌چرخد؛ اول این که چین بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی را از طریق اهدای وام به خود وابسته نموده است. و دوم آنکه نقش بسیاری از وام‌دهندگان بین‌المللی را در منطقه دچار فرسایش کرده است.

همچنین شیوه نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی نسبت به چین بسیار شکننده و حساس برانگیز است. این الگو در مورد روس‌ها هم صدق می‌کند. روسیه به واسطه تلاش برای کنترل همه‌جانبه و آمریکا به دلیل علاقه به گسترش دموکراسی و مهم جلوه‌دادن موضوعات حقوق بشری، مسیر دشوارتری را در برابر شیوه نفوذ چین در پیش رو دارند. پکن بدون لحاظ نمودن موارد ذکرشده، بلکه از طریق کنترل شرکت‌های صنعتی و منابع طبیعی در مرحله نهایی تمرکز خود را متوجه فشار سیاسی می‌نماید. چین با اعطای منابع عظیم مالی به کشورهای هم‌چون تاجیکستان، امکان تاب‌آوری این کشور را در برابر فشارهای آمریکا افزایش داده است. ورود چین به حوزه صنایع تاجیکستان مربوط به صنعت کشاورزی این کشور نیز می‌شود. به گونه‌ای که بسیاری معتقد هستند که بخش عمده زمین‌های کشاورزی تاجیکستان توسط کارفرمایان چینی اداره می‌گردند و ممکن است طرح اصلاحات ارضی که توسط ایالات متحده در این کشور به انجام رسید، نوعی پاسخ و ایجاد توازن در برابر رفتار خزنده شرکت‌های چینی بوده باشد. چرا که تاجیکستان در حال اجرای یک طرح با هدف ترویج توسعه بازار زمین می‌باشد که ایالات متحده با رقم حدود ۱۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در انجام آن مشارکت نموده است. این طرح قرار است تا سال ۲۰۲۰ به پایان برسد. ایده اصلی این طرح توسعه موثر اقتصادی کشور با استفاده بهینه از زمین‌های کشاورزی عنوان شده است (Easttime.info, 2017).

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۷۹

براساس مولفه‌های ذکر شده ویژگی اصلی رفتار اقتصادی ایالات متحده در مناطقی همچون آسیای مرکزی مبتنی است بر ممانعت از به چالش کشیده شدن جایگاه ساختاری این کشور توسط سایر بازیگران. بر طبق این گزاره از آنجایی که ایالات متحده تمایلی از خود برای از دست دادن جایگاه برتری‌اش در ساختار سیاست بین‌الملل نشان نمی‌دهد در نتیجه تلاش می‌کند تا از مسیرهای متنوع و در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیک به اتحاد‌های سیاسی-امنیتی و اقتصادی با بازیگران مجاور در مرزهای کشورهای رقیب بپردازد تا بدین طریق آنها را به اشکال متعدد تحت فشار قرار دهد. چین و کشورهای آسیای مرکزی نمونه مناسبی برای این گزاره هستند که در این ساختار کمک‌های اقتصادی واشنگتن به کشورهای آسیای مرکزی در کنار طرح راه ابریشم جدید هیلاری کلینتون قابل بررسی می‌باشند.

خروج بخشی از نیروهای نظامی آمریکایی از افغانستان، هیچ‌گاه موجب کاهش اهمیت تاجیکستان و مرزهای متداخل آن با افغانستان نگردید. انعکاس این مسئله را در افزایش میزان کمک‌های دولت امریکا به تاجیکستان پس از سال ۲۰۱۵ به بعد می‌توان مشاهده کرد (US Foreign Assistance, 2017). اگرچه در صفحه مربوط به کمک‌های آژانس حمایت‌های خارجی امریکا به طور علنی از نگرانی امریکا نسبت به حضور اقتصادی چین در تاجیکستان مطلبی عنوان نشده است - در این صفحه جهت‌گیری اصلی این کمک‌ها را متوجه تقویت تاجیکستان جهت مقابله با تجاوزات روسیه دانسته شده است- اما با دقت در افزایش تخصیص‌ها در حوزه اقتصادی طی چند سال اخیر، متوجه اهمیت مسئله کمک‌های اقتصادی به کشورهای آسیای مرکزی از جمله تاجیکستان جهت مقابله با سرمایه‌گذاری‌های بی‌وقفه چین خواهیم شد.

حلقه تکمیلی رفتار اقتصادی چین نیز در تاجیکستان تا حدود زیادی به بهره‌مندی از موقعیت ژئوپلیتیک ایران بستگی دارد. در این زمینه می‌توان به مسیر انتقال انرژی نفت و گاز از ایران به افغانستان تاجیکستان، قرقیزستان و سپس چین اشاره کرد. همچنین جغرافیای ایران بخش مهمی از طرح جاده ابریشم چین محسوب می‌شود. تمام ظرفیت‌ها برای بهره‌برداری از منابع انرژی ایران در جغرافیای تاجیکستان مهیا می‌باشد. منتهی بایستی به محیط آشوب‌زای افغانستان-که نیروهای آمریکایی حضور خود را در آن تضمین‌کننده امنیت آن کشور می‌دانند- توجه ویژه‌ای کرد. این مسئله از سوی چین و ایران همواره با تردید نگرین شده است. از سوی دیگر، ایران این ظرفیت را در خود دارد که بخش عظیمی از

انرژی برق آبی مازاد تاجیکستان را به همسایگانی همچون پاکستان و ترکیه منتقل نماید. تحقق این طرح نیز متوجه بهره‌برداری از خاک افغانستان می‌باشد، که باز هم در آن نقش آمریکایی‌ها پررنگ است. بنابراین همان‌طور که مشخص است، ایالات متحده با حضور در خاک افغانستان این وجاهت را برای خود به وجود آورده است تا ضمن ترغیب دولت تاجیکستان به همکاری‌های امنیتی-اقتصادی در آینده طرح‌های صادراتی و وارداتی منابع انرژی این کشور نیز مداخله می‌کند که نوک پیکان این رفتار متوجه چین و روسیه و البته ایران نیز می‌باشد.

رقابت اقتصادی ایالات متحده و چین در تاجیکستان/۱۸۱

منابع و مأخذ

- امیر احمدیان بهرام و رضازاده، حبیب (۱۳۹۱) مولفه‌های داخلی موثر بر سیاست خارجی تاجیکستان، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۰، زمستان.
- آقایی، داوود و فلاحی، احسان (۱۳۹۴) آسیای مرکزی بزرگتر از افسانه تا واقعیت، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۹، بهار ۱۳۹۴.
- خراطها، سعید (۱۳۹۳) بررسی و مقایسه مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان، فصلنامه اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
- زیبا کلام، صادق و گودرزی، مهناز (۱۳۹۲) امنیت انرژی و سیاست درهای باز تاجیکستان: جایگاه ایران در روابط اقتصادی-تجاری تاجیکستان، مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۱۲ تابستان ۱۳۹۲.
- عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۳) قدرت نرم چین در منطقه آسیای مرکزی: رویکردها، ابزارها و اهداف، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۸، زمستان ۱۳۹۳.
- محمودی، مرتضی (۱۳۹۲) تعاملات اقتصادی تاجیکستان و ایران و دورنمای آینده روابط دو کشور در دهه‌های اخیر. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۵) قانون اساسی تاجیکستان، ستاد تاجیکستان و آذربایجان، تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۰، قابل دسترسی در:
<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/132272>
- خبرگزاری اسپوتنیک (۲۰۱۶) مهاجران کاری طی ۱۰ سال، بیش از ۲۰ میلیارد دلار از روسیه به وطن خود ارسال کردند، (۲۰۱۶/۰۲/۱۲) تاریخ دریافت: ۲۰۱۷/۰۱/۱۰، قابل دسترسی در:
<https://ir.sputniknews.com/world/201602121201264/>
- خبرگزاری اسپوتنیک (۲۰۱۷) بمبافکن‌های روسیه در تاجیکستان، (۲۰۱۷/۰۵/۲۷)، تاریخ دریافت: ۲۰۱۷/۰۵/۳۰، قابل دسترسی در:
<https://ir.sputniknews.com/world/201705272538448/>
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۵) افزایش حجم مبادلات تجاری «دوشنبه» و «آستانه» ۱۳۹۵/۱۲/۲۶ تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۱/۰۲، قابل دسترسی در:
<http://www.farsnews.com/13951226000186>
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۵) تاجیکستان و آمریکا رزمایش مشترک برگزار می‌کنند، (۱۳۹۵/۱۲/۳۰)؛ تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۰۲، قابل دسترسی در:
<http://www.farsnews.com/13951230000271>

-
- Absher, Lennol (2013) *Tajikistan: Turbulent Past, Future Uncertain*, A Thesis Submitted to the Department of Russian and East European Studies in partial fulfillment of the Requirements for the Degree of Masters of Arts, Florida State University.
 - Armitage, Richard L. (2011) *Strengthening Fragile Partnerships; an Agenda for the Future of U.S.-Central Asia Relations*, Project 2049 Institute,
 - Asian Development Bank (2017) “Tajikistan: Economy”, Available at: <https://www.adb.org/countries/tajikistan/economy>, Accessed on: January 10, 2017.
 - Baru, Sanjaya (2012) “Geo-economics and Strategy”, *Journal Survival Global Politics and Strategy*, Volume 54, Issue 3.
 - China Daily (2013) “China, Tajikistan Eye Free Trade Zone in Agriculture”, *China Daily*, Available at: http://www.chinadaily.com.cn/china/2013xivisitcenterasia/2013-09/05/content_16945022.htm, Accessed on: September 15, 2016.
 - Clark, Brenton (2015) *The Islamic Republic of Iran’s Relations with the Republic of Tajikistan in the Post-Soviet Period*, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy of the Australian National University Centre.
 - Cooley, Alexander (2015) “China’s Changing Role in Central Asia and Implications for US Policy: From Trading Partner to Collective Goods Provider”, Prepared Remarks for “*Looking West: China and Central Asia*” U.S.-China Economic and Security Review Commission.
 - Easttime.info (2017) “US to Facilitate Land Market Development in Tajikistan With \$10 Million”, February 12, 2017, Available at: <http://easttime.info/news/tajikistan/us-facilitate-land-market-development-tajikistan-10-million>, Accessed on: February 15, 2017.
 - Embassy of Switzerland in the People’s Republic of China (2016) “2016 China Economic Report”, Available at: http://cn.swisscham.org/sites/default/files/A754-EcoReportChinaAugust2016_ExternalVersion.pdf, Accessed on: October 15, 2016.
 - Global Finance Magazine (2017) “Tajikistan GDP and Economic Data”, Available at: <https://www.gfmag.com/global-data/country-data/tajikistan-gdp-country-report>, Accessed on: March 02, 2017.
 - Goble, Paul (2016) “China Quietly Displacing Both Russia and US from Central Asia”, *Eurasia Daily Monitor*, Volume: 13 Issue: 140, Available at:

- <https://jamestown.org/program/china-quietly-displacing-both-russia-and-us-from-central-asia/>, Accessed on: December 20, 2016.
- Kim, Alexander (2015) “Central Asian Republics Welcome New US Approach toward Region”, *Eurasia Daily Monitor*, Volume: 12 Issue: 213, Available at: <https://jamestown.org/program/central-asian-republics-welcome-new-us-approach-toward-region/>, Accessed on: August 15, 2016.
- Koroley, Alexander (2016) “Systemic Balancing and Regional Hedging: China–Russia Relations”, *The Chinese Journal of International Politics*, Vol. 9, No. 4, doi:10.1093/cjip/pow013. Accessed on: Srptember 25, 2016.
- Kuchins, C. Andrew. Mankoff, Jeffrey. Backes, Oliver (2015), “ Central Asia in a Reconnecting Eurasia; Tajikistan’s Evolving Foreign Economic and Security Interests”, *CSIS Russia and Eurasia Russia and Eurasia Program*.
- Luttwak, Edward N. (1990) “From geopolitics to geoeconomics: Logic of conflict, grammar of commerce”. *The National Interest*, No. 20.
- Nicol, Jim (2013) “Tajikistan: Recent Developments and U.S. Interests”, *Congressional Research Service*, Available at: <https://fas.org/sgp/crs/row/98-594.pdf>, Accessed on: July 18, 2016.
- Peyrouse, Sebstien (2011) “Tajikistan’s New Trade: Cross-border Commerce and the China-Afghanistan Link”, *PONARS Eurasia Policy Memo*, No. 169, September 2011, Available at: https://www2.gwu.edu/~ieresgwu/assets/docs/ponars/pepm_169.pdf, Accessed on: November 21, 2016.
- Presstv (2016) “Chinese Firm Completes Multimillion-Dollar Power Plant in Tajikistan”, Available at: <http://presstv.ir/DetailFr/2016/12/08/496995/China-Tajikistan-power-plant-Tebian-Electric-Apparatus>, Accessed on: December 28, 2016.
- Sputnik.com (2016) “USAID Завершил Трехлетний Проект По Земельной Реформе в Таджикистане”, Available at: <http://ru.sputnik-tj.com/country/20160826/1020549709.html>, Accessed on: December 25, 2016
- Starr, Fredrick (2017) “Time to Re-Engage”, *the American Interest*, March 17, 2017, Available at: <https://www.the-american-interest.com/2017/03/17/time-to-re-engage/>, Accessed on: March 18, 2017.
- Thirlwel, Mark (2010) “the Return of Geo-economics: Globalisation and Nnational Security”, *Lowy Institute for International Policy*, Available at: https://www.files.ethz.ch/isn/121234/Thirlwell,%20The%20return%20of%20geo-economics_web%20and%20print.pdf, Accessed on: June 18, 2016.
- United States Embassy in Tajikistan, (2017) “Fulbright foreign student program 2017-2018 academic year”, Available at: <https://tj.usembassy.gov/fulbright->

foreign-student-program-2017-2018-academic-year/, Accessed on: February 18, 2017.

- US Department of State (2016) "U.S. Relations with Tajikistan", *Bureau of South and Central Asian Affairs*, Available at:

<https://www.state.gov/r/pa/ei/bgn/5775.htm>, Accessed on: August 19, 2016.

- US Foreign Assistance (2017) "Foreign Assistance in Tajikistan", Available at: <http://beta.foreignassistance.gov/explore/country/Tajikistan>, Accessed on: March 18, 2017.

- Voloshin, Georgiy (2012) "US-Tajik Relations: A Dangerous Liaison", *Geopolitical Monitor*, Available at: <https://www.geopoliticalmonitor.com/us-tajik-relations-a-dangerous-liaison-4711/>, Accessed on: March 10, 2017.

- World Bank Group (2016) "the World Bank-Tajikistan Partnership Program Snapshot", Available at:

<http://pubdocs.worldbank.org/en/971041460525814067/Tajikistan-Snapshot-s2016-en.pdf>, Accessed on: March 15, 2017.

- Министерсиво Финансов Республики Таджикистан, (2016) "Парламентом Таджикистана Принят Проект Закона «О Государственном бюджете Республики Таджикистан на 2017 год»", *Пресс-релизы*, Доступна на: <http://minfin.tj/index.php?newsid=679?>, Дата Обращения: Март 01, 2017.

- Правительство Республики Таджикистан (2016) *Национальная Стратегия Развития Республики Таджикистан на Период до 2030 года*, Доступна на: http://khovar.tj/wp-content/uploads/2017/01/NSR-2030_russkij.pdf, Дата Обращения Октябрь 11, 2016.

- Панфилова, Виктория (2015) США Обеспокоены Активностью России в Центральной Азии, *Независимая Газета*, 29.10.2015, Доступна на: http://www.ng.ru/cis/2015-10-29/6_asia.html, Дата Обращения: Декабрь 02, 2016.

- Посольство Республики Таджикистан в Кыргызской Республике (2015) Концепция Внешней Политики Республики Таджикистан, Доступна на: <http://www.tajikemb.kg/files/2016/concept-of-the-foreign-policy-of-the-republic-of-tajikistan-ru.pdf>, Дата Обращения: Сентябрь 10, 2016.

- Центр Азия (2016) Внешний Долг Таджикистана Приблизился к "Предельной черте", *Минфин РТ*, Доступна на:

<http://www.centrasia.ru/newsA.php?st=1479290580>, Дата Обращения: Ноябрь 09, 2016.